

تأثیر مؤلفه‌های حکمرانی خوب بر نابرابری درآمد در کشورهای عضو اوپک

حمید آسایش *

دانشیار گروه اقتصاد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آیت الله بروجردی، بروجرد، ایران

هادی رحمانی فضلی

استادیار گروه سیاستگذاری عمومی و اقتصاد سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی

رضا شمس الهی

کارشناس ارشد اقتصاد، دانشکده علوم انسانی دانشگاه آیت الله بروجردی، بروجرد، ایران

فتانه نیکنام

⁴ کارشناسی ارشد اقتصاد، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه شهید باهنر کرمان، ایران

<https://doi.org/10.22067/erd.2025.88229.1238>

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

نابرابری درآمد، یکی از مهم‌ترین مسائل اقتصادی و اجتماعی حاکم بر هر جامعه‌ای است که تحت تأثیر عوامل اقتصادی و غیراقتصادی مختلفی قرار دارد. در این میان توجه به مسائلی همچون حکمرانی خوب و مؤلفه‌های وابسته به آن، یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر نابرابری درآمد در جوامع مختلف است. لذا هدف اصلی این پژوهش بررسی تأثیر مؤلفه‌های حکمرانی بر نابرابری درآمد در کشورهای عضو اوپک با استفاده از داده‌های جمع‌آوری شده به روش کتابخانه‌ای از وب‌گاه بانک جهانی طی دوره ۲۰۲۱-۲۰۲۲ با بهره‌گیری از الگوی (panel ARDL) می‌باشد. نتایج به‌دست‌آمده حاکی از آن است که افزایش یک واحدی فساد منجر به افزایش ۱/۴۶ واحد ضریب جینی شده است. ثبات سیاسی تأثیر منفی بر نابرابری درآمد داشته است. به‌طوری‌که افزایش یک واحدی در ثبات سیاسی نابرابری درآمدی ۴/۱۵۶ واحد کاهش می‌یابد. کیفیت و کارایی دولت تأثیر منفی بر نابرابری درآمد داشته است. به‌طوری‌که با افزایش یک واحدی کیفیت و کارایی، نابرابری درآمد ۱/۱۰۶ واحد در کشورهای عضو اوپک کاهش می‌یابد. افزایش درآمدهای نفتی و افزایش اندازه دولت هم منجر به افزایش نابرابری درآمدی شده است.

کلیدواژه‌ها: حکمرانی خوب، نابرابری درآمد، اوپک.

* نویسنده مسئول: hamid.asayesh@abru.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۰۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۱۶

صفحات:

مقدمه

نابرابری درآمد یکی از مهم‌ترین مسائل جامعه بشری، که با پیدایش علم اقتصاد مورد توجه دولت‌ها و اقتصاددانان قرار گرفته است. مسئله نابرابری درآمد اهمیت بسیاری در مباحث اقتصاد بخش عمومی و اقتصاد توسعه دارد. نخست اینکه نابرابری درآمد بخش مهمی از عدالت اجتماعی و اقتصادی است و از سوی دیگر بر متغیرهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تأثیرگذار است (Alizadeh Venovel, Zahedgharavi & Hasanvand, 2024, p.98). به‌رغم بهبود شرایط زندگی بشر در یک سده‌ی اخیر و پیشرفت‌های شگرف در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و فناوری، هنوز بخش قابل توجهی از مردم در تأمین حداقل نیازهای ضروری خود بر نمی‌آیند. روند افزایش نابرابری درآمد در کشورهای در حال توسعه با کشورهای توسعه‌یافته، که نابرابری درآمدی تفاوت محسوسی دارد. افزایش نابرابری درآمد در کوتاه‌مدت ممکن است نمود عینی نداشته باشد اما در بلندمدت منجر مشکلاتی مانند فقر، نارضایتی اجتماعی، بی‌ثباتی سیاسی، به‌خاطر افتادن امنیت سرمایه‌ها، بی‌اعتمادی مردم از دولت می‌شود (Shamsolah, Zahedgharavi & Asayesh, 2022, p.157). به همین دلیل در اکثر کشورهای جهان، چگونگی کاهش نابرابری درآمد تبدیل به یک چالش اساسی شده است. در این میان توجه به حضور گسترده دولت در اقتصاد کشورهای در حال توسعه، حکمرانی خوب و مؤلفه‌های آن یکی از تأثیرگذارترین عوامل بر نابرابری درآمد می‌باشد (Sabouri et al., 2023, p.389).

حکمرانی مفهوم جدیدی نیست بلکه سابقه آن به تمدن بشری برمی‌گردد. در مفهوم ساده حکمرانی فرآیند تصمیم‌گیری در سیاست‌های دولت است. حکمرانی در زمینه‌های مختلف هم مانند حاکمیت شرکتی، حاکمیت بین‌المللی، حاکمیت ملی و حاکمیت محلی می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. حکمرانی خوب به‌عنوان یک مفهوم، بر بخش‌های مختلف و متمایز جامعه مانند دولت، قوه مقننه، قوه قضائیه، رسانه‌ها، بخش خصوصی، بخش شرکتی، تعاونی‌ها، انجمن‌ها، سازمان‌ها و حتی سازمان‌های غیردولتی اعمال می‌شود. به‌طور کلی حکمرانی به تغییرات در نقش، ساختار و فرآیند عملیات دولت، با روش‌های حل مشکلات اجتماعی اشاره دارد (Enayat, Motallebi & Taheri, 2022, p.23). دولت‌های در حال توسعه با به‌کارگیری الگوی حکمرانی خوب در کشورهای موفق از طریق بهبود شاخص‌های حکمرانی همچون، شفافیت و اثربخشی، ثبات سیاسی، عدم خشونت و تروریسم، اثربخشی دولتی، شاخص کیفیت قوانین و مقررات، حاکمیت قانون و شاخص کنترل فساد، منجر به کاهش هزینه‌های معاملاتی، افزایش سرمایه‌گذاری و افزایش تولید، افزایش اشتغال و کاهش بیکاری می‌شوند و در نهایت با این اقدامات بر

کاهش نابرابری درآمد تأثیرگذار می‌باشند (Khosroabad, Zayanderoody & Shakibae, 2016, p.186). حکمرانی خوب می‌تواند توسعه اقتصادی را از طریق تخصیص کارآمد منابع ارتقا بخشد. حکمرانی خوب سیاست‌های تحریف‌کننده نسبت به سرمایه فیزیکی و انسانی را به حداقل می‌رساند که این امر به نوبه خود می‌تواند به کاهش نابرابری درآمد کمک کند. علاوه بر این، حکمرانی خوب برای ارتقای محیط کسب و کار که نقش مهمی در بهبود توزیع درآمد دارد، مستند شده است. نهادها یا حاکمیت بهبود یافته می‌تواند به کاهش عدم اطمینان و ریسک کمک کند، که این موضوع می‌تواند جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را افزایش دهد و به این ترتیب، ممکن است به بهبود رفاه اجتماعی، ایجاد فرصت‌های شغلی و بهبود توزیع درآمد منجر شود. به طور مشابه، حکمرانی خوب به عنوان یک پیش‌نیاز برای توسعه زیرساختی شناخته شده است که نقش مهمی در توزیع درآمد ایفا می‌کند، همچنین حکمرانی خوب برای بهبود رفاه اجتماعی یافت شده است، که به نوبه خود می‌تواند به کاهش نابرابری درآمد کمک کند (Dossou, Ofori & Akadiri, 2023, p.2).

مسئله حکمرانی خوب در کشورهای که اقتصاد آن‌ها وابسته به منابع طبیعی (نفت و گاز) می‌باشد، بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد. به دلیل که در این کشورها وابستگی دولت‌ها به درآمدهای نفتی می‌تواند منجر به مسئله دولت رانتیر و ایجاد فساد در بدنه دولت شود و بر نابرابری درآمدی تأثیرگذار باشد. لذا در این کشورها به دلیل نقش پررنگ دولت در اقتصاد و وابستگی به درآمدهای نفتی، تأثیر مؤلفه‌های حکمرانی بر نابرابری درآمدی از اهمیت خاصی برخوردار است؛ بنابراین هدف اصلی پژوهش بررسی تأثیر مؤلفه‌های حکمرانی خوب بر نابرابری توزیع درآمد در کشورهای عضو اوپک، طی بازه زمانی ۲۰۲۲-۲۰۰۲ با بهره‌گیری از الگوی اقتصادسنجی Panel ARDL است.

از این رو، ساماندهی مقاله به این گونه است: که در بخش دوم مبانی نظری در زمینه تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب بر نابرابری درآمد و پیشینه تجربی پژوهش ارائه می‌شود. در بخش سوم به توصیف داده‌ها و روش‌شناسی پرداخته می‌شود. در بخش چهارم به برآورد یافته‌های تجربی و تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخته می‌شود. بخش پایانی به نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها اختصاص یافته است.

مبانی نظری تحقیق

حکمرانی خوب

اولین بار مفهوم حکمرانی از سوی بانک جهانی (۱۹۸۹) با اعمال قدرت سیاسی و با هدف اداره امور یک ملت مطرح گردیده است. لاندل و همکاران (۱۹۹۲) حکمرانی اعمال قدرت سیاسی به منظور اداره یک

ملت است. بانک جهانی (۱۹۹۲) حکمرانی خوب را شیوه استفاده از قدرت در مدیریت منابع اقتصادی و اجتماعی با هدف دستیابی به توسعه پایدار تعریف کرده است. داروین و همکاران (۱۹۹۶) حکمرانی خوب پارادایم جدید در اعمال حاکمیت بیان کرده است. سازمان ملل (۱۹۹۷) حکمرانی خوب به معنای مدیریت امور عمومی بر اساس حاکمیت قانون، دستگاه قضایی کارآمد، عادلانه و مشارکت مردم در فرآیند حکومت‌داری می‌باشد. لیون (۲۰۰۰)، حکمرانی خوب به مفهوم مدیریت اثربخش بر منابع اقتصادی و اجتماعی است. به گونه‌ای این مدیریت اثربخش با شفافیت، پاسخگویی و عدالت‌محوری همراه باشد. بانک جهانی (۲۰۰۲) حکمرانی خوب به مفهوم سازوکارها، فرآیندها و نهادهایی است که به واسطه آنها شهروندان، گروه‌ها و نهادهای مدنی منافع خود را دنبال می‌کنند و حقوق قانونی خود را به اجرا درآورده و تعهداتشان را برآورد می‌کنند. بانک توسعه‌ی آفریقا، حکمرانی خوب را به عنوان سیاست رسمی حکومت‌ها و بر اساس چهار اصول به هم پیوسته ((پاسخگویی، شفافیت، قابلیت پیش‌بینی و مشارکت)) تعریف کرده است. حکمرانی خوب بنیان توسعه شناخته شده است. حکمرانی تعامل و همکاری بین جامعه مدنی و نظام سیاسی یا تعامل بین دولت و شهروندان است. حکمرانی فرآیند تصمیم‌گیری در جامعه و چگونگی قدرت و روابط بین دولت و شهروندان است. حکمرانی خوب در ارتباط بین قدرت، تعامل و پاسخگویی معنا می‌یابد. حکمرانی خوب، تمرین مدیریت (سیاسی، اقتصادی، اجرایی و...) منابع یک کشور، برای رسیدن به اهداف تعیین شده می‌باشد. حکمرانی خوب در واقع مشروعیت دولت و ارتباط دوجانبه بین دولت و مردم است. در الگوی حکمرانی خوب با شناسایی استعدادها و فردی منجر به شکل‌گیری بخش خصوصی توانمند می‌شود. این سازمان در تعریفی دیگر حکمرانی خوب را شامل سازوکار، فرآیندها و نهادهایی است که به واسطه آنها به شهروندان، گروه‌ها و نهادهای مدنی منافع و حقوق قانونی را پیگیری و تعهدات را برآورد می‌کنند. بانک جهانی (۲۰۰۵) حکمرانی خوب را بر اساس شش شاخص تعریف کرده است. بر اساس این شاخص‌ها وضعیت حکمرانی خوب در کشورهای مختلف به صورت هر دو سال یکبار از دوره ۲۰۰۲-۱۹۹۶ و سالانه از دوره ۲۰۰۲-۲۰۰۷ مورد بررسی قرار داده و این شاخص عبارت‌اند از حق اظهارنظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی و عدم خشونت، کارآیی و اثربخشی دولت، کیفیت قانون‌گذاری، حاکمیت قانون و کنترل فساد (Mohseni Zonouzi, Shahbazi & Parnak, 2015, p.91).

اثروگذاری شاخص‌های حکمرانی خوب بر نابرابری توزیع درآمد
حق اظهارنظر و پاسخگویی:

این شاخص با مفاهیمی هم‌مانند حقوق سیاسی، آزادی بیان، تجمعات سیاسی، آزادی مطبوعات، میزان نمایندگی حاکمان از طبقه‌های حق اظهارنظر و پاسخگویی: اجتماعی، فرآیندهای سیاسی در برگزاری انتخابات مرتبط است. آزادهای مدنی، انتشار اطلاعات و وجود نهادهای جامعه مدنی هم‌مانند انجمن‌های صنفی، اتحادیه‌ها، احزاب و انتخابات سالم به مردم کمک می‌کند تا دولت را انتخاب و یا برکنار کنند، به‌گونه‌ای که در صورت وجود سازوکارهای نظارتی و شفافیت قوانین، منجر به کاهش هزینه‌های کسب‌وکار، افزایش سرمایه‌گذاری، رشد اقتصادی و کاهش فاصله طبقاتی و بهبود نابرابری توزیع درآمد می‌شود (Tabaghchi Akbari et al., 2020, p270).

ثبات سیاسی و مقابله با خشونت:

این شاخص میزان ثبات رژیم حاکم، درجه احتمال بقاء دولت و تداوم سیاست‌های جاری را در صورت تغییر دولت (رهبران) را بیان می‌کند. درگیری‌های جناحی، جنگ‌های داخلی و... که نشان از وجود بی‌ثباتی و ضعف حاکمیت می‌باشد، منجر به افزایش ریسک و نااطمینانی بر اقتصاد، خروج سرمایه از داخل کشور، کاهش رشد اقتصادی، افزایش بیکاری، فقر و افزایش نابرابری درآمد می‌گردد (Ansari Samani & Khilkordi, 2019, p.162). دولت مجبور است برای مقابله با ناآرامی‌ها و خشونت‌ها، ثروت و منابع تولیدی را از فعالیت خارج کند و به فعالیت‌های (نظامی و دفاعی) اختصاص دهد که در این شرایط افزایش نابرابری درآمد قابل‌انتظار نیست (Shahabadi & Sarigol, 2014, p.9).

کارآیی و اثربخشی دولت:

این شاخص به مفهوم کارآمدی دولت در ارائه خدمات عمومی و شهروندی، کیفیت نظام اداری، صلاحیت و شایستگی کارگزاران و استقلال خدمات همگانی از فشار سیاسی است. انجام وظایف محول شده به دولت هم‌مانند تأمین و فراهم نمودن کالاها و خدمات عمومی و زیرساخت‌های فیزیکی موردنیاز در فرآیند تولید که منجر به کاهش هزینه‌های معاملاتی، افزایش رقابت در اقتصاد، افزایش رشد اقتصادی، ترویج کارآفرینی و حمایت از کارآفرینان، کاهش فقر و نابرابری درآمد می‌شود (Seyed Norani, Tari Mohammadpour, 2019, p.27).

کیفیت قوانین و مقررات:

تعدد قوانین، مقررات و مجوزهای کسب‌وکار، بی‌ثباتی در اجرای قوانین و نقص قانون و مقررات بیانگر این شاخص است. اجرای دقیق قوانین و مقررات و تدوین صحیح قوانین منجر به افزایش سرمایه‌گذاران

اقتصادی در فرآیند تولید، بهبود فضای کسب و کار، ورود سرمایه به داخل، افزایش اشتغال، رشد اقتصادی و کاهش نابرابری درآمد در پی خواهد داشت (Ghafarifard & Danesh, 2022, p.6).

حاکمیت قوانین:

این شاخص میزان احترام و اعتماد عملی که دولت و مردم نسبت نهادهایی که وظیفه اجرای قوانین و مقررات در جامعه را دارند، نشان می‌دهد. مقررات و نهادهای یک کشور که با حمایت از حقوق دارایی‌های فیزیکی و ضمانت اجرای قراردادها اجرا می‌شود، منجر به افزایش انگیزه‌های سرمایه‌گذاری در تولید، بهبود فضای کسب و کار، افزایش اشتغال، رشد اقتصادی، افزایش رفاه و بهبود فاصله طبقاتی در بلندمدت می‌گردد (Moftakhari et al., 2021, p.323).

کنترل فساد:

شاخص کنترل فساد از اندازه‌گیری میزان استفاده مقامات دولتی از امکانات دولتی برای منافع شخصی خود بدست می‌آید. از دیدگاه گوپتا و همکاران (۱۹۹۸) فساد از طریق کاهش رشد اقتصادی، مالیات‌های تنازلی، هدف‌گیری ناکارآمد طرح‌های اجتماعی، نابرابری آموزشی، انحرافات سیاسی، کاهش هزینه‌های اجتماعی دولت و افزایش ریسک سرمایه‌گذاری منجر به افزایش فقر و نابرابری توزیع درآمد می‌شود. در خصوص اثر کنترل فساد بر نابرابری درآمد دو دیدگاه مطرح است. ۱) منشأ ایجاد فساد مالی ۲) نتیجه فساد مالی. در کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته عواملی هم‌مانند کیفیت پایین و ضعف در قوانین و مقررات، ناکارایی در نظام قضایی و فقدان حاکمیت می‌توانند کارگزاران بخش خصوصی را ترغیب نمایند تا با هدف کاهش هزینه‌های تولید و افزایش سرمایه‌گذاری به مظاهر فساد مالی روی آورند و منجر افزایش نابرابری درآمد گردند. عواملی هم‌مانند تخصیص نامناسب کالاهای عمومی، رانت‌جویی و کاهش مشروعیت دولت می‌تواند بر عملکرد اقتصادی حتی در کشورهای توسعه‌یافته اثر منفی گذاشته و منجر به افزایش نابرابری درآمد شود. بر اساس مطالعات لی و همکاران (۱۹۹۸)، جانستون (۱۹۹۸)، هندریک و موتو (۱۹۹۸)، گوپتا و همکاران (۲۰۰۰)، جاین (۲۰۰۶)، دسیستر و گونالپ (۲۰۱۱) محمدامین و اتزاز (۲۰۱۶) افزایش فساد منجر به افزایش نابرابری درآمد می‌شود. در مطالعات آندرس و همکاران (۲۰۱۱) و هونگ (۲۰۱۲) افزایش فساد در کشورهای فقیر منجر به افزایش نابرابری درآمد می‌شود. جانک و خاکرام (۲۰۰۵) به این نتیجه رسیدند که ارتباط دو سویه بین فساد و نابرابری توزیع درآمد برقرار است (Salatin, 2018, p.43).

پیشینه تحقیق

علمی و حاجیلی دوجی (۲۰۲۴) تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب بر نابرابری درآمد در کشورهای منطقه مناطی دوره ۲۰۰۸-۲۰۲۱ با روش گشتاورهای تعمیم یافته (GMM) مورد بررسی قرار دادند. نتایج حاکی از آن است بی‌ثباتی سیاسی منجر به افزایش نابرابری درآمد شده است. از سوی دیگر گسترش آزادهای مدنی و شفافیت اقتصادی بر نابرابری درآمد تأثیر منفی داشته است. دیگر یافته‌ها حاکی از آن است درآمد سرانه و اندازه دولت به ترتیب اثر منفی و مثبت بر نابرابری درآمد داشتند.

مرادی، جعفری و فتاحی (۲۰۱۸) تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب (ثبات سیاسی، حاکمیت قانون و کنترل فساد) بر نابرابری درآمد در منتخبی از کشورهای درحال توسعه و توسعه یافته با بهره‌گیری از رگرسیون پانل کوانتایل پویا طی دوره ۲۰۰۰-۲۰۱۷ مورد بررسی قرار دادند. بر اساس یافته‌های بدست آمده، کنترل فساد و حاکمیت قانون در هر دو گروه کشورها در چارک‌های ۲۵، ۵۰ و ۷۵ به ترتیب اثر مثبت، منفی و معناداری بر نابرابری درآمد داشتند. در هر دو گروه از کشورها ثبات سیاسی در چارک‌های ۲۵ و ۵۰ اثر منفی و در چارک ۷۵ اثر مثبت و معنادار بر نابرابری درآمد داشته است.

انصاری سامانی و خیل کردی (۲۰۱۹) اثر ثبات سیاسی بر نابرابری درآمد در ایران طی دوره ۱۳۹۴-۱۳۹۶ و با بهره‌گیری از مدل خود رگرسیون برداری (VAR)، آزمون یوهانس- جوسیلیسوس و مدل تصحیح خطای برداری (VECM) مورد بررسی قرار دادند. یافته‌های بدست آمده حاکی از آن است که ثبات سیاسی منجر به بهبود نابرابری درآمد شده است.

زاینده‌رودی، خسروآبادی، و شکیبایی (۲۰۱۵) اثر شاخص‌های حکمرانی خوب بر نابرابری درآمد در کشورهای جنوب شرقی آسیا طی دوره ۲۰۱۲-۱۹۹۹ با به‌کارگیری داده‌های پانل مورد بررسی قرار دادند. بر اساس یافته‌های بدست آمده شاخص کیفیت حکمرانی خوب، ثبات سیاسی و اثربخشی دولت تأثیر منفی و معناداری بر نابرابری درآمد داشته‌اند.

مرادی و سلمانیپور (۲۰۱۸) اثر شاخص‌های حکمرانی خوب بر نابرابری درآمد در کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی با بهره‌گیری از رگرسیون داده‌های پانل و اثرات ثابت طی دوره ۲۰۱۳-۲۰۰۰ مورد بررسی قرار دادند. بر اساس یافته‌های بدست آمده شاخص‌های حکمرانی خوب (اثربخشی دولت، ثبات سیاسی، حاکمیت قانون و حق اظهار نظر و پاسخگویی) در کنار متغیرهای کنترلی مخارج مصرفی دولت و سهم صادرات از تولید ناخالص داخلی اثر منفی و معنادار بر نابرابری درآمد داشتند. شاخص کنترل فساد درآمدهای مالیاتی دولت، تورم و بیکاری اثر مثبت و معناداری بر نابرابری درآمد داشتند.

دل انگیزان، پشته‌کشی و نظری (۲۰۱۸) اثر کیفیت حکمرانی در کشورهای با درآمد بالا و درآمد پایین طی دوره ۲۰۱۵-۱۹۹۶ و با بهره‌گیری از الگوی حداقل مربعات معمولی بر نابرابری درآمد مورد بررسی قرار دادند. بر اساس یافته‌های بدست آمده کیفیت حکمرانی در هر دو گروه از کشورها تأثیر منفی و معنادار بر نابرابری درآمد داشته است.

ادیب‌پور و محمدی ویایی (۲۰۱۶) اثر فساد بر نابرابری درآمد در کشورهای با درآمد بالا (آلمان، فرانسه، ایتالیا، کانادا و ژاپن) و کشورهای با درآمد متوسط (ایران، ترکیه، هند، مالزی و چین) طی دوره ۲۰۱۲-۲۰۰۰ و با بهره‌گیری از داده‌های تلفیقی مورد بررسی قرار دادند. بر اساس نتایج بدست آمده فساد در هر دو گروه از کشورها منجر به افزایش نابرابری درآمد گردیده است.

جلالی نائینی و غفاری (۲۰۱۵) اثر کیفیت نهادها بر نابرابری توزیع درآمد و بالعکس در منتخبی از کشورها طی دوره ۲۰۰۹-۱۹۷۲ با بهره‌گیری از الگوی (Panel VAR) مورد بررسی قرار دادند. یافته‌های بدست آمده حاکی از آن است که جهت علیت از کیفیت نهادها بر نابرابری توزیع درآمد برقرار است و در جهت بالعکس ارتباط ضعیفی برقرار است. رابطه معکوس بین شاخص‌های آزادی‌های مدنی، حقوق سیاسی، آزادهای اقتصادی و شاخص ثبات سیاسی با نابرابری درآمد برقرار است. به مفهوم دیگر کیفیت نهادها منجر به کاهش نابرابری درآمد شده است.

از مطالعات تجربی داخلی می‌توان نتیجه گرفت که شاخص‌های حکمرانی خوب (ثبات سیاسی، حاکمیت قانون، کارآیی و اثربخشی دولت، حق اظهار نظر و پاسخگویی) بر نابرابری توزیع درآمد تأثیر منفی داشته و فساد اثر مثبت بر نابرابری درآمد داشته است. علاوه بر این در مطالعات داخلی از شاخص‌های ثبات سیاسی، حاکمیت قانون و کنترل فساد بر نابرابری درآمدی را مورد بررسی قرار داده‌اند؛ که در این پژوهش از متغیرهای ثبات سیاسی، فساد و کیفیت و کارآیی دولت به‌عنوان شاخص‌های حکمرانی بکار گرفته شده است. در مطالعات قبلی در میان شاخص‌های حکمرانی از کیفیت و کارآیی دولت به‌عنوان شاخص حکمرانی کمتر استفاده شده است. همچنین در این پژوهش از متغیر اندازه دولت به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر نابرابری درآمدی بکار گرفته شده است، که در مطالعات قبلی این متغیر در کنار شاخص‌های حکمرانی بر نابرابری درآمدی مورد بررسی قرار نگرفته است. همچنین مسئله حکمرانی خوب در کشورهای نفت‌خیز به دلیل رانت و وابستگی دولت به درآمدهای نفتی از اهمیت خاصی برخوردار است؛ که این مسئله تاکنون در مطالعات داخلی مورد بررسی قرار نگرفته است. می‌توان مهم‌ترین وجه تمایز این پژوهش نسبت به مطالعات داخلی بررسی تأثیر مؤلفه‌های حکمرانی خوب بر نابرابری درآمدی

در کشورهای صادرکننده نفت عضو اوپک اشاره کرد. بدین ترتیب مهم‌ترین نوآوری این پژوهش جامعه آماری مورد بررسی می‌باشد.

در مطالعات خارجی آسونگو و همکاران (۲۰۲۳) اثر حکمرانی خوب بر آموزش و نابرابری درآمد در ۴۶ کشور آفریقای دوره ۲۰۱۴-۲۰۰۴ با بهره‌گیری از الگوی گشتاورهای تعمیم مورد بررسی قرار دادند؛ و به این نتیجه دست یافتند که شاخص‌های حکمرانی خوب (کارایی و اثربخشی دولت، ثبات سیاسی و حاکمیت قانون) بر آموزش تأثیر مثبت و معنادار داشته و بر نابرابری درآمد اثر منفی و معنادار داشته است. آدام و اکوبنگ (۲۰۲۱) ارتباط بین شاخص‌های ICT و حکمرانی خوب بر نابرابری درآمد در ۴۶ کشور آفریقایی با بهره‌گیری از الگوی حداقل مربعات معمولی طی دوره ۲۰۱۸-۱۹۸۴ مورد بررسی قرار دادند. یافته‌ها نشان می‌دهد، شاخص‌های ICT (اینترنت، پهنای باند ثابت و اشتراک تلفن همراه) و شاخص‌های حکمرانی خوب (ثبات سیاسی، کارایی و اثربخشی دولت) منجر به کاهش نابرابری درآمد شده است. کوکیا (۲۰۲۱) اثر شاخص‌های حکمرانی خوب بر فقر و نابرابری درآمد در ۱۹۱ کشور طی دوره ۲۰۱۹-۲۰۰۰ و الگوی داده‌های پانل مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه دست یافتند که شاخص‌های حکمرانی خوب (ثبات سیاسی، کارایی و اثربخشی دولت و حاکمیت قانون) منجر به کاهش فقر و بهبود نابرابری درآمد شده است.

هوآنگ و هو (۲۰۱۸) اثر شاخص‌های حکمرانی خوب بر نابرابری توزیع درآمد در کشورهای جنوب شرقی آسیا طی دوره ۲۰۱۵-۲۰۰۰ با الگوی داده‌های پانل مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه دست یافتند که اثر شاخص‌های حکمرانی خوب (کیفیت دموکراسی و کیفیت فنی) بر نابرابری درآمد منفی و معنادار است.

آپرچیس و همکاران (۲۰۰۹) رابطه علی فساد بر نابرابری توزیع درآمد در کشورهای آمریکای لاتین طی دوره ۲۰۰۴-۱۹۸۰ با استفاده از داده‌های پانل مورد بررسی قرار دادند. یافته‌ها حاکی از یک رابطه علی دو طرفه میان فساد و نابرابری درآمد در کوتاه‌مدت و بلندمدت می‌باشد.

شفیق و حق (۲۰۰۶) تأثیر ساختار حکومت بر نابرابری درآمد در کشورهای هند، پاکستان، بنگلادش و سریلانکا با بهره‌گیری از الگوی گشتاور تعمیم یافته مورد طی دوره ۲۰۰۵-۱۹۹۱ مورد بررسی قرار دادند. بر اساس یافته‌های بدست آمده قوانین و مقررات منجر به ثبات سیاسی در اقتصاد شده است؛ بنابراین فرصت مناسب برای سرمایه‌گذاری افزایش یافته که منجر به رشد اقتصادی، افزایش اشتغال و کاهش فاصله طبقاتی می‌گردد.

از مطالعات تجربی خارجی می‌توان این گونه نتیجه گرفت: که در این مطالعات از مؤلفه‌های کارآیی و اثربخشی دولت، ثبات سیاسی و حاکمیت قانون برای تأثیر حکمرانی خوب بر نابرابری درآمد به کار گرفته شده است؛ که این مؤلفه‌ها باعث کاهش نابرابری درآمد شده‌اند.

روش‌شناسی

تصریح مدل تجربی

بدین منظور در این پژوهش برای بررسی تأثیر حکمرانی بر نابرابری درآمد در کشورهای عضو اوپک طی دوره ۲۰۲۲-۲۰۰۲، بر اساس مطالعات تجربی بخصوص مقاله کوکيا (۲۰۲۱) رابطه (۱) به‌عنوان مدل تجربی این پژوهش تصریح شده است.

$$(1) Gini_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 Ps_{it} + \alpha_2 Coc_{it} + \alpha_3 qla_{it} + \alpha_4 Gs_{it} + \alpha_5 oil_{it} + \alpha_6 u_{it}$$

بر اساس رابطه (۱)

متغیر وابسته:

$Gini$ = ضریب جینی (شاخص نابرابری درآمد)

متغیرهای مستقل

Ps_{it} = ثبات سیاسی (شاخص ثباتی سیاسی بر اساس مقاله کافمن و همکاران (۲۰۱۴) اندازه‌گیری شده است. این شاخص بین ۲/۵- تا ۲/۵+ می‌باشد؛ که مقدار ۲/۵- نشان دهنده عملکرد ضعیف حکمرانی در ثبات سیاسی و مقدار ۲/۵+ نشان دهنده ثبات سیاسی قوی است).

Coc_{it} = فساد (شاخص فساد، عموماً فساد را به‌عنوان سو استفاده از مقامات دولتی با هدف منافع شخصی تعریف می‌شود).

qla_{it} = کیفیت و کارآیی دولت

متغیرهای کنترلی

Gsl_{it} = اندازه دولت (نسبت مخارج مصرفی دولت به تولید ناخالص داخلی)

oil_{it} = درآمدهای نفتی

روش‌شناسی

در مواردی که ایستایی متغیرهای مورد بررسی در مدل از درجه‌های متفاوتی باشند، برآوردهای مختلف داده‌های پانلی هم‌مانند اثرات ثابت، اثرات تصادفی و برآورد حداقل مربعات معمولی مختلط نامناسب است. در روش اثرات ثابت اگرچه عرض از مبدأ برای هر گروه یا کشور متفاوت است، اما این محدودیت وجود دارد که ضرایب برای تمام گروه‌ها یکسان است. در صورتی که برخی از متغیرهای درون‌زا باشند و با جمله پسماند همبستگی داشته باشند، منجر به این می‌شود که برآوردگر اثرات ثابت با مشکل اریب بودن مواجهه شود. مدل‌های اثرات ثابت از محدودیت درجه آزادی برخوردار هستند و در مقابل از مشکلات کمتری از جمله درجه آزادی مواجهه است. همچنین این مدل با فرض محدودیت زمان مواجهه است. به این معنا که خطا در هر دوره با دوره قبل همبسته نیست. در روش حداقل مربعات معمولی مختلط عرض از مبدأ و ضرایب برای تمامی مقاطع عرضی یکسان است. همچنین در الگوی گشتاورهای تعمیم یافته برای مدل‌های که دارای دوره زمانی طولانی هستند، کارایی ندارد. در مقابل الگوی خود رگرسیون با وقفه‌های توزیعی پانلی (Panel ARDL) حساسیتی نسبت به اینکه متغیرها در سطح $i(0)$ و یا انباشته از $i(1)$ باشند، را ندارد. همچنین این مدل انعطاف‌پذیری بالایی در مورد تعداد محدود داده‌ها دارد، بنابراین در برآورد مدل‌هایی با تعداد اندک داده‌های سری زمانی کاربرد فراوانی دارد. الگوی خود رگرسیون با وقفه‌های توزیعی پانلی (Panel ARDL) دارای سه روش متفاوت برای برآورد روابط کوتاه‌مدت و بلندمدت میان متغیرهای مدل است. این روش‌ها شامل میان گروهی (MG)، میان گروهی تلفیقی (PMG) و اثرات ثابت پویا (DEF) می‌باشد و هر سه این روش‌ها از برآوردگر حداکثر راست‌نمایی استفاده می‌کنند (Asayesh, Shamsollahi, Kamali & Maqsoodi, 2024, p.43).

روش میان گروهی (MG) توسط پسران و اسمیت ارائه شده است. در این روش ضرایب بلندمدت را با میانگین‌گیری از ضرایب بلندمدت برآورد شده برای هر مقطع عرضی بدست می‌آورند و برای هر مقطع یک توضیح جداگانه برآورد می‌کند و سپس پارامترها را با میانگین‌گیری غیروزی از ضرایب برآورد شده برای هر مقطع بدون هیچ‌گونه محدودیتی اندازه‌گیری می‌کند؛ بنابراین ضرایب کوتاه‌مدت و بلندمدت برآورد شده در روش میان گروهی (MG) ممکن است، ناهمگن باشند. به معنای دیگر در این روش عرض از مبدأ، ضرایب برآورد و خطای معیار برای هر مقطع متفاوت است. روش میان گروهی تلفیقی (PMG)

توسط پسران و همکاران (۲۰۰۱) توسعه داده شد. در این روش، ضرایب همگنی را برای تمام مقطع‌ها در بلندمدت برآورد می‌کند؛ اما در این روش، ضرایب کوتاه‌مدت برآورد شده برای هر مقطع به منظور تعدیل به سمت تعادل بلندمدت ناهمگن هستند. در این روش ضریب تصحیح خطا باید منفی به دست آید و جملات پسماند مدل تصحیح خطا باید خود ناهمبسته باشند. در روش اثرات ثابت (DEF) هم‌مانند میان گروهی تلفیقی (PMG) ضرایب هم‌جمعی بلندمدت برآورد شده برای تمامی مقاطع یکسان است. در مقابل این روش بر خلاف میان گروهی تلفیقی (PMG) دارای سرعت تعدیل کمتری است و ضرایب کوتاه‌مدت آن همگن هستند. همچنین در این مدل مشکل ارب هم‌زمانی معادلات برقرار است؛ بنابراین در این پژوهش برای بررسی تأثیر شاخص‌های حکمرانی بر نابرابری درآمد در کشورهای عضو اوپک، روش میان گروهی تلفیقی (PMG) بکار گرفته می‌شود.

یافته‌ها

آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

آمار توصیفی شامل مجموعه روش‌هایی است که برای جمع‌آوری، تلخیص، طبقه‌بندی و توصیف حقایق عددی به کار می‌رود. درواقع این نوع تحلیل، داده‌ها و اطلاعات پژوهش را توصیف می‌کند و طرح یا الگوی کلی از داده‌ها را برای استفاده سریع و بهتر از آن‌ها به دست می‌دهد. آمار توصیفی بیانگر اطلاعاتی در مورد پارامترهای مرکزی و پراکندگی داده‌های تحقیق است. در یک جمع‌بندی، با استفاده مناسب از آمار توصیفی می‌توان ویژگی‌های یک دسته از اطلاعات را بیان کرد و علاوه بر فهم بهتر نتایج یک آزمون، مقایسه نتایج آن آزمون را با آزمون‌ها و مشاهدات دیگر نیز تسهیل نمود. جدول (۱) آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش را با استفاده از نرم‌افزار Eviews برای کشورهای عضو اوپک برای دوره ۲۰۲۲-۲۰۰۲ ارائه شده است.

جدول (۱): توصیف آماری متغیرهای پژوهش

نام متغیر	میانگین	حداکثر	حداقل	انحراف معیار
<i>Gini</i>	۳۴/۶۸۱۹۵	۴۹/۹	۲۲/۳	۵/۹۴۹۸۶۸
<i>Ps</i>	۱/۰۰۰۲۲	۳/۱۸۰۷۹۸	۰/۰۱۶۰۸۵۴	۰/۶۸۳۴۲۶
<i>Qla</i>	۰/۸۱۶۷۱۳۲	۲/۳۴۷۸۸۷	۰/۰۰۰۷۸۲۱	۰/۵۵۹۵۱۵۷
<i>Coc</i>	۰/۶۸۶۶۵۷۳	۱/۶۲۶۵	۰/۰۰۸۴۰۴۲	۰/۴۴۱۵۲۲۱
<i>Gs</i>	۶۴/۷۰۵۲	۱۲۱/۶۴۱۲	۳۳/۰۱۱۰۵	۱۸/۳۵۰۲۱
<i>Oil</i>	۲۸/۴۸۱۱۸	۶۵/۱۵۷۵۹	۰/۰۰۲۳۶۵۸	۱۸/۴۱۷۹۳

مرجع: نتایج پژوهش

بررسی مانایی متغیرها:

قبل از برآورد مدل، لازم است به منظور اجتناب از رگرسیون کاذب، آزمون مانایی متغیرهای مدل صورت گیرد. همچنین مانایی یکی از پیش شرط‌های برآورد یک مدل رگرسیون مناسب می‌باشد. لذا آزمون مانایی یا ریشه واحد به ترتیب برای متغیرهای مدل با استفاده از آزمون ریشه واحد لوین - لین و چو انجام شده است.

جدول (۲): نتایج حاصل از انجام آزمون ریشه واحد

نام متغیر	آماره آزمون	احتمال	وضعیت
<i>Gini</i>	-۶/۸۴۴۵۶	۰/۰۰۰۰	$I(1)$
<i>Ps</i>	-۲/۹۴۹۵۵	۰/۰۰۱۶	$I(0)$
<i>Qla</i>	-۷/۳۶۵۹۲	۰/۰۰۰۰	$I(1)$
<i>Coc</i>	-۸/۰۹۶۱۷	۰/۰۰۰۰	$I(1)$
<i>Gs</i>	-۳/۱۱۱۳۸	۰/۰۰۰۹	$I(1)$
<i>Oil</i>	-۲/۳۶۷۳۴	۰/۰۰۹۰	$I(0)$

مرجع: نتایج پژوهش

با توجه به نتایج به دست آمده از جدول ۲، متغیرهای ضریب جینی، فساد و کیفیت و کارآیی دولت با یکبار تفاضل‌گیری و بدون عرض از مبدأ و روند مانا شده‌اند، اندازه دولت با یکبار تفاضل‌گیری و با عرض از مبدأ مانا شده است؛ اما متغیرهای ثبات سیاسی و درآمد نفتی در سطح مانا شده‌اند. با در نظر گرفتن وضعیت ایستایی (مانایی) متغیرهای پژوهش که ترکیبی از $I(1)$ و $I(0)$ هستند، می‌توان جهت برآورد مدل از روش Panel ARDL بهره گرفت.

آزمون‌های تشخیص:

جدول (۳): نتایج آزمون چاو

نام آزمون	آماره آزمون	درجه آزادی	احتمال	نتیجه آزمون
F لیمر	$F=۱۷/۴۱$	$F(۵,۱۷۵)$	۰/۰۰۰۰	اثر ثابت
نتایج آزمون بروش - پاکان				
نام آزمون	آماره آزمون	احتمال	نتیجه آزمون	بروش - پاکان
LR	$LR=۲۷۹/۶۰$	۰/۰۰۰۰	اثر تصادفی	

نتایج حاصل از انجام آزمون هاسمن

نام آزمون	آماره آزمون	درجه آزادی	احتمال	نتیجه آزمون
هاسمن	۲۶/۳۹۵۶۸۰	$\chi^2 (5)$	۰/۰۰۰۱	اثر ثابت
آزمون هم‌تجمعی کائو				
نام آزمون	آماره آزمون	احتمال	نتیجه آزمون	
کائو	-۲/۰۳۵۳۹۹	۰/۰۲۰۹	وجود رابطه بلندمدت	

مرجع: یافته‌های پژوهش

بر اساس یافته‌های جدول ۳، با توجه به احتمال به دست آمده از آزمون چاو، فرض صفر مبنی بر *pool* بودن مدل رد و فرضیه مقابل مبنی بر مدل ترکیبی با اثرات ثابت تأیید می‌شود. با توجه به احتمال به دست آمده از آزمون بروش - پاگان، فرض صفر رد و فرضیه مقابل مبنی بر اثر تصادفی مدل، مورد پذیرش قرار می‌گیرد. با توجه به اینکه احتمال به دست آمده از این آزمون کمتر از ۰/۰۵ است لذا فرض صفر مبنی بر اثر تصادفی بودن رد و فرض مقابل این آزمون مبنی بر اثر ثابت مورد پذیرش واقع می‌شود؛ و از آنجایی که احتمال حاصل از انجام این آزمون کائو کمتر از مقدار ۰/۰۵ است، لذا، وجود رابطه بلندمدت در بین متغیرهای پژوهش مورد تأیید قرار می‌گیرد یا به عبارتی دیگر متغیرهای مدل در بلندمدت از هم تبعیت می‌کنند.

جدول (۴): نتایج بررسی فروض کلاسیک

نام آزمون	آماره آزمون	درجه آزادی	احتمال	نتیجه آزمون
<i>LR</i>	$LR = 245/53$	$\chi^2 (5)$	۰/۰۰۰۰	ناهمسانی واریانس
<i>WOOLDRIDGE</i>	$F = 22/928$	$F (1,9)$	۰/۰۰۱۰	وجود خودهمبستگی

مرجع: یافته‌های پژوهش

از آنجایی که احتمال‌های به دست آمده از این دو آزمون، کمتر از مقدار ۰/۰۵ است بنابراین، فرض صفر این دو آزمون رد می‌شود و فرض ۱ در هر دو آزمون مورد پذیرش قرار می‌گیرد. در آزمون ناهمسانی واریانس فرض صفر مبنی بر همسانی واریانس رد و فرض مقابل آن مبنی بر ناهمسانی واریانس تأیید می‌شود، در آزمون خودهمبستگی نیز، فرض صفر مبنی بر عدم وجود خودهمبستگی رد و فرض مقابل مبنی بر وجود خودهمبستگی تأیید می‌گردد.

جدول (۵): نتایج حاصل از انجام آزمون *FMOLS*

نام متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره آزمون	احتمال
کنترل فساد	۵/۲۴۶	۱/۹۵۷	-۲/۶۸۸	۰/۰۰۷۹
درآمد نفتی	۰/۰۱۱	۰/۰۳۷	۰/۳۱۶	۰/۷۵۱۷
ثبات سیاسی	-۳/۷۶۹	۰/۹۵۱	۳/۹۶۳	۰/۰۰۰۱
کیفیت و کارآیی دولت	-۳/۸۰۰	۱/۴۴۹	-۲/۶۲۱	۰/۰۰۹۶
اندازه دولت	۰/۱۴۵	۰/۰۳۰	۴/۷۸۰	۰/۰۰۰۰

مرجع: نتایج پژوهش

با توجه به نتایج به دست آمده از انجام برآورد رابطه بلندمدت، می‌توان این‌گونه استدلال نمود که اگر متغیرهای فساد، درآمدهای نفتی، اندازه دولت به میزان ۱ واحد افزایش پیدا کنند نابرابری درآمدی به ترتیب ۵/۲۴۶، ۰/۰۱۱ و ۰/۱۴۵ واحد افزایش پیدا می‌کند. متغیرهای ثبات سیاسی و کیفیت و کارآیی دولت منجر به کاهش نابرابری درآمد شده‌اند. به‌طوری‌که با افزایش ۱ واحدهای متغیرهای ثبات سیاسی و کیفیت و کارآیی منجر به کاهش ۳/۷۶۹ و ۳/۸ واحدی نابرابری درآمدی شده‌اند.

جدول (۶): نتایج حاصل از برآورد مدل PMG

نام متغیر	ضریب	آماره آزمون	احتمال
کنترل فساد	۱/۴۶۷	-۱/۷۷۳	۰/۰۸۰
درآمد نفتی	۰/۰۵۹	-۰/۲۵۰	۰/۸۰۳
ثبات سیاسی	-۴/۱۶۵	۲/۱۶۵	۰/۰۳۴
کیفیت و کارآیی دولت	-۱/۱۰۶	۲/۱۷۷	۰/۰۳۳
اندازه دولت	۰/۳۷۴	۱/۳۴۲	۰/۱۸۴

مرجع: نتایج پژوهش

با توجه به نتایج به دست آمده از جدول ۶. این‌گونه استدلال می‌شود که متغیرهای فساد تأثیر مثبت بر نابرابری درآمدی داشته است. به‌طوری‌که با افزایش یک واحدی در فساد ضریب جینی (شاخص نابرابری درآمدی) ۱/۴۶۷ واحد افزایش می‌یابد. در کشورهای عضو اوپک به دلیل وابستگی اقتصاد به دولت، قوانین و مقررات ضعیف و ناکارآمد و اتخاذ سیاست‌های نامناسب منجر به افزایش فعالیت بخش خدمات از طریق بخش پیمانکاری و ارائه کالا و خدمات به بخش دولتی، انحصارات دولت برای منافع شخصی دولتمردان را به وجود آورده منجر افزایش رانت و رشوه در اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های دولتی می‌شود. افزایش فساد و عدم کنترل فساد در بدنه دولت‌ها منجر به افزایش نااطمینانی در سرمایه‌گذاری شده و خروج

سرمایه از داخل کشور، کاهش تولید و درآمد ملی و در نتیجه افزایش نابرابری درآمدی می‌شود. درآمدهای نفتی تأثیر مثبت بر نابرابری درآمدی داشته است. به‌طوری‌که با افزایش یک واحدی درآمدهای نفتی، ضریب جینی (شاخص نابرابری درآمدی) $۰/۰۵۹$ واحد افزایش یافته است. حجم عظیم درآمدهای حاصل از منابع طبیعی در بحث حقوق مالکیت غیر کارآمد، بازارهای ناقص، ساختارهای قانونی و نهادی ضعیف در کشورهای عضو اوپک می‌تواند منجر به رانت جویی در میان تولیدکنندگان شود که این امر سبب می‌شود تا منابع طبیعی با این انحراف، از فعالیت‌های اقتصادی بکاهند. وفور منابع طبیعی، می‌تواند به مردم یک کشور، احساس امنیت کاذب را القا کند و نابرابری درآمد را تشدید کند. ثبات سیاسی تأثیر منفی بر نابرابری درآمد داشته است. به‌طوری‌که افزایش یک واحدی در ثبات سیاسی نابرابری درآمدی $۴/۱۵۶$ واحد کاهش می‌یابد. به این معنا که افزایش ثبات سیاسی در ساختار دولت‌ها در کشورهای عضو اوپک منجر به افزایش امنیت، تقویت سرمایه‌گذاری، افزایش تولید و کاهش نابرابری درآمد می‌گردد. کیفیت و کارآیی دولت تأثیر منفی بر نابرابری درآمد داشته است. به‌طوری‌که با افزایش یک واحدی کیفیت و کارآیی، نابرابری درآمد $۱/۱۰۶$ واحد در کشورهای عضو اوپک کاهش می‌یابد. اندازه دولت تأثیر مثبت بر نابرابری درآمد داشته است. به‌طوری‌که با افزایش یک واحد اندازه دولت، نابرابری درآمد در کشورهای عضو اوپک $۰/۳۷۴$ افزایش یافته است؛ که می‌تواند به دلیل وابستگی بودجه دولت‌ها به درآمدهای نفتی در این کشورها بود منجر به تقویت دولت رانتیر شده و فساد و فعالیت‌های رانتی در این دولت‌ها افزایش یافته و تخصیص منابع به‌درستی انجام نشده و منجر به افزایش نابرابری درآمد شده است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

مسئله نابرابری درآمد و راهکارهای کاهش آن یکی از مباحث مهمی است که سال‌ها موردتوجه دولت‌ها و اقتصاددانان قرار گرفته است. افزایش نابرابری درآمد در هر جامعه با پیامدهای ازجمله کاهش انگیزه برای فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، افزایش فساد، افزایش طلاق و فروپاشی خانواده‌ها، افزایش جرم و جنایت و بزه‌کاری، و افزایش آسیب‌های روانی همراه است که می‌تواند ترجیحات اقتصادی-اجتماعی خانوار و جامعه را با فروریزش همراه سازد؛ و هم بر مسائل اقتصادی-اجتماعی اثرگذار است و هم از مسائل اقتصادی و نهادی جامعه به‌ویژه حکمرانی تأثیر می‌پذیرد؛ بنابراین هدف از انجام این پژوهش بررسی تأثیر مؤلفه‌های حکمرانی خوب بر نابرابری درآمدی در کشورهای عضو اوپک برای دوره ۲۰۰۲-۲۰۲۲ با استفاده از روش اقتصادسنجی Panel ARDL می‌باشد.

بر اساس نتایج بدست آمده کنترل فساد تأثیر مثبت بر نابرابری درآمد در کشورهای عضو اوپک داشته است. به‌طوری‌که با افزایش ۱ واحدی فساد، ضریب جینی (شاخص نابرابری درآمدی) ۱/۴۶ واحد افزایش می‌یابد؛ که با نتایج مرادی، جعفری و فتاحی (۲۰۱۸)، ادیب‌پور و محمدی ویایی (۲۰۱۶)، آچریس و همکاران (۲۰۰۹) مطابقت دارد. در اقتصاد کشورهای درحال توسعه و بخصوص کشورهای که اقتصاد آن‌ها دولتی بوده و درآمدهای دولت وابسته منابع طبیعی از جمله نفت و گاز می‌باشد، منجر به بروز فساد در میان مقامات دولتی شده و از طریق دور زدن قوانین و مقررات و افزایش فشارهای سیاسی به دولتمردان و سیاست‌گذاران منجر ایجاد قوانین ناکارآمد و ضعیف و به نفع طبقه سرمایه‌دار جامعه شده و طبقه پایین جامعه از خدمات عمومی محروم شده و در نتیجه شکاف درآمدی در جامعه افزایش می‌یابد. فساد از طریق افزایش هزینه کالاها و خدمات دولتی منجر به کسری بودجه برای دولت شده و در این شرایط دولت نرخ‌های مالیاتی را افزایش داده و طبقه پایین و کم‌درآمد جامعه باید مالیات بپردازند و در نتیجه نابرابری درآمدی افزایش می‌یابد. همچنین فساد منجر به بروز فعالیت‌های رانت جوینانه و رشوه‌خواری شده و فعالیت‌های نامولد افزایش و فعالیت‌های واحدی تولیدی کاهش یافته که افزایش بیکاری را در پی خواهد داشت و در نهایت نابرابری درآمدی افزایش می‌یابد.

درآمدهای نفتی تأثیر مثبت بر نابرابری درآمدی داشته است. به‌طوری‌که با افزایش یک واحدی درآمدهای نفتی، ضریب جینی (شاخص نابرابری درآمدی) ۰/۰۵۹ واحد افزایش یافته است؛ که با نتایج صاحب‌هنر و ندیری (۲۰۱۳)، شیری و خضری (۲۰۲۱)، خدابخشی و خزائی (۲۰۲۲) و پاپریکو و پاپیراکس (۲۰۱۶) مطابقت دارد. اولین کانال تأثیرگذاری درآمدهای نفتی بر افزایش نابرابری درآمد در چارچوب فرضیه بیماری هلندی قابل بررسی است. بر اساس فرضیه بیماری هلندی افزایش درآمدهای نفتی می‌تواند به تخصیص مجدد نیروی کار به سمت بخش‌های اولیه نسبت به صنایع تولیدی صادرات محور می‌شود؛ که کاهش صادرات در این نوع صنایع شده و در نتیجه اقتصاد را از حالت صنعتی خارج کرده و منجر به کاهش تقاضا برای فرصت‌های شغلی شده و در نتیجه نابرابری درآمدی افزایش می‌یابد. نفرین منابع دومین کانال تأثیرگذاری افزایش درآمدهای نفتی بر افزایش نابرابری درآمدی است. در کشورهای درحال توسعه که اقتصاد آن‌ها وابسته به درآمدهای نفتی است، تصور بر آن بوده که درآمدهای نفتی منجر به افزایش رشد اقتصادی و کاهش فقر و نابرابری درآمد شود؛ اما شواهد تجربی در این کشور عکس این مسئله را ثابت کرده است. به‌طوری‌که درآمدهای نفتی منجر به افزایش نابرابری درآمدی شده است. در سومین کانال تأثیرگذاری درآمدهای نفتی بر افزایش نابرابری درآمد از طریق کیفیت پایین و نامناسب نهادها می‌باشد.

اقتصاددانانی مثل بالت، دامانیکا، توروک و مهلوم معتقدند که نهادهای ضعیف منجر رانت‌های ناشی از درآمدهای نفتی را به راحتی در اختیار افراد رانت‌جو شده و منجر به افزایش توزیع ناعادلانه درآمد میان افراد جامعه می‌شود. در حقیقت آن‌ها معتقدند که کیفیت مناسب نهادها منجر به پایین بودن رشد اقتصادی و افزایش نابرابری درآمد شده است.

ثبات سیاسی تأثیر منفی بر نابرابری درآمد داشته است. به طوری که افزایش یک واحدی در ثبات سیاسی نابرابری درآمدی ۴/۱۵۶ واحد کاهش می‌یابد؛ که با نتایج مرادی، جعفری و فتاحی (۲۰۱۳)، انصاری سامانی و خیل کردی (۲۰۱۹)، مرادی و سلیمانپور (۲۰۱۸)، آسونگو و همکاران (۲۰۲۳)، آدام و اکویک (۲۰۲۱) و کوکیا (۲۰۲۱) مطابقت دارد. افزایش ثبات سیاسی در ساختار دولت‌ها در کشورهای عضو اوپک منجر به افزایش امنیت، تقویت سرمایه‌گذاری، افزایش تولید و کاهش نابرابری درآمد می‌گردد. کیفیت و کارایی دولت تأثیر منفی بر نابرابری درآمد داشته است. به طوری که با افزایش یک واحدی کیفیت و کارایی، نابرابری درآمد ۱/۱۰۶ واحد در کشورهای عضو اوپک کاهش می‌یابد. افزایش کیفیت، کارایی دولت بخصوص در خدمات عمومی منجر به کاهش نابرابری درآمدی می‌شود. در خصوص اثربخشی و کارایی دولت دو دیدگاه مطرح است. دیدگاه نخست: حضور نهادها و فرآیندهای مورد نیاز جامعه. دیدگاه دوم: سازماندهی نهادها به گونه‌ای باشد که به تأمین نیازهای عمومی و استفاده بهینه از منابع انسانی و مادی منجر شود. اگر دولت به طور کارآمد در توسعه فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی سرمایه‌گذاری کند و با اقداماتی مثل توسعه زیرساخت‌ها، افزایش دسترسی به تحصیلات رایگان، افزایش خدمات بهداشتی در مناطق محروم و تنظیم سیاست‌های اجتماعی می‌تواند به بهبود فرصت‌ها و کاهش نابرابری درآمدی اقدام کند (Elmi & Hajili Davaji, 2024, p.232).

اندازه دولت تأثیر مثبت بر نابرابری درآمدی داشته است؛ که با افزایش یک واحد اندازه دولت، نابرابری درآمد در کشورهای عضو اوپک ۰/۳۷۴ افزایش یافته است؛ که با نتایج منتظری شورکچالی و زاهدغروی (۲۰۲۱)، اولو (۲۰۱۸) مطابقت دارد. با ثابت بودن سطح توسعه‌یافتگی دستگاه‌های دولتی و ساختار اداری دولت بیش از اندازه بزرگ می‌شود. بخش خصوصی انحصار و کنترل منابع درون اقتصاد ملی را دارد، در چنین شرایطی نابرابری درآمد نتیجه تفاوت درآمد بین بخش عمومی و بخش خصوصی است؛ که در چنین شرایطی بوروکراسی مدرن عموماً با افزایش حقوق و مزایا به نفع شاغلان دولتی نسبت به شاغلان بخش خصوصی می‌گردد که چنین شرایطی نابرابری درآمد افزایش می‌یابد. همچنین نخبگان سیاسی به جای اینکه منابع عمومی را برای کاهش نابرابری درآمد در جامعه هدایت کنند، با تعقیب

سیاست‌های صنعتی شدن تحت حمایت یا نظارت دولت منابع عمومی را با سیاست وام کم‌بهره و مالیات کم برای تأسیس صنایع جدید هدایت می‌کنند که این وضعیت نابرابری درآمدی را افزایش می‌دهد. همچنین گسترش فعالیت‌های اجتماعی دولت مانند مستمری سالمندان و بیمه‌های حمایتی به شاغلان دولتی و صنایع بنیادین باعث افزایش نابرابری درآمد می‌گردد (Montazeri Shoorekchali & Zahed Gharavi, 2020, p.38).

با توجه به نتایج بدست آمده از این پژوهش، وابستگی دولت‌ها در کشورهای عضو اوپک به درآمدهای نفتی منجر به افزایش فساد و تضعیف شاخص‌های حکمرانی و فعالیت‌های رانتی شده که این امر نابرابری درآمدی را تشدید می‌کند؛ بنابراین یکی از این راه‌های کاهش نابرابری درآمدی در کشورهای عضو اوپک کاهش وابستگی دولت‌ها به درآمدهای نفتی و انتقال این درآمدها به مردم است، چراکه تجربه مدیریت دولتی نفت نشان داده است درآمد نفت بجای تخصیص بهینه، بیشتر در جهت فعالیت‌های مخرب رانتجویانه هزینه شده است و منجر به افزایش فساد در بدنه دولت شده و نابرابری درآمد هم افزایش یافته است؛ بنابراین توصیه می‌شود که در کشورهای عضو اوپک کاهش وابستگی دولت‌ها به درآمدهای نفتی منجر به کاهش فساد شده و تقویت شاخص‌های حکمرانی خوب (افزایش فساد، افزایش ثبات سیاسی، افزایش کیفیت و کارایی دولت) و در نتیجه هم نابرابری درآمد کاهش می‌یابد.

سپاسگزاری

نویسندگان مقاله از داوران محترم به خاطر ارائه نظرهای ساختاری و علمی سپاسگزاری دارند.

References

- Adams, S., & Akobeng, E. (2021). ICT, governance and inequality in Africa. *Telecommunications Policy*, 45(10), 102198.
- Adib, M., & Mohammadi viaei, A. (2016). The effects of corruption on economic inequality income distribution. *Quarterly Journal of The Macro and Strategic Policies*, 4(14), 153-168. [in persian].
- Alizadeh venovel, Z.; Zahedgharavi, M., & Hasanvand, D. (2024). The effect of education on the of income inequality distribution in Lorestan province. *Public Sector Economics Studies*, 3(1), 93-116. [in persian].
- Amin Ullah, M. A., & Ahmad, E. (2016). Inequality and corruption: Evidence from panel data. *Forman Journal of Economic Studies*, 12(1).

Andresn, A. R., & Ramlogan-Dobson, C. (2008). Is corruption really bad for inequality? Evidence from Latin America. *Journal of Development Studies*, 47(7), 959-976.

Ansari Samani, H., & Khilkordi, R. (2019). Unemployment and Income Inequality in Iran Provinces. *Iranian Journal of Economic Research*, 24(81), 157-186. doi: 10.22054/ijer.2019.11689. [in persian].

Andres, A. R., & Ramlogan-Dobson, C. (2011). Is corruption really bad for inequality? Evidence from Latin America. *Journal of Development Studies*, 47(7), 959-976

Apergis, N. & Dincer, O. C. (2009). The Relationship between corruption and income inequality in U.S. states: evidence from a panel cointegration and error correction model. *Public Choice*, 145(1), 125-135.

Asayesh, H.; Shamsollahi, R.; Kamali, M., & Maqsoodi, S. (2024). The effect of good governance on happiness in a selection of MENA countries: panel distribution breaks Autoregressive distributed lag (Panel ARDL) JEL Classification: C23, I38. *new economy and trad*, 19(1), 1-27. [in persian].

Asongu, S. A.; Diop, S., & Addis, A. K. (2023). Governance, inequality and inclusive education in sub-saharan Africa. In *Forum for Social Economics* Routledge, 52(1), 43-68.

Buba, S., & Suryati, I. (2017). *Income Inequality and Rule of Law in Bulgaria. Governance and Sustainability of Global Business Economics*, 14-15 August 2017, Universiti Putra Malaysia, Malaysia.

Chen, C., & Pan, J. (2019). The effect of the health poverty alleviation project on financial risk protection for rural residents: evidence from Chishui City, China. *International journal for equity in health*, 18(1), 1-16.

Coccia, M., & Bellitto, M. (2018). Human progress and its socioeconomic effects in society. *Journal of Economic and Social Thought*, 5(2), 160-178.

Coccia, M. (2021). How a good governance of institutions can reduce poverty and inequality in society?. *Legal-Economic Institutions, Entrepreneurship, and Management: Perspectives on the Dynamics of Institutional Change from Emerging Markets*, 65-94.

Darwin, R.; Tsigas, M.; Lewandrowski, J., & Raneses, A. (1996). Land use and cover in ecological economics. *Ecological Economics*, 17(3), 157-181.

Desister, S., & Gunalp, F. (2011). *Corruption, Governance, and Poverty in Sub-Saharan Africa: Panel Evidence* (Doctoral dissertation, Doctoral dissertation, Addis Ababa University).

Delandizan, S.; Poshtehkshi, M., & Nazari, S. (2018). The effect of the quality of governance on the inequality of income distribution, the first international conference on economic planning, sustainable and balanced regional development, approaches and applications, University of Kurdistan.

Dossou, T.; Ofori, I. K. A. M., & Akadiri, S. S. (2023). Towards the quest to reduce income inequality in Africa: is there a synergy between tourism development and governance?. *Current Issues in Tourism*, 26(3), 429-449.

Enayat, N.; Motallebi, M., & Taheri, A. (2022). Examining the role of good governance in economic growth in Iran (1385-1398): Quality of Laws and Regulations and Efficiency of Government Effectiveness". *Strategic Studies of Jurisprudence and Law*, 4(2), 19-39. [in persian].

Elmi, Z., & Hajili Davaji, M. (2024). The Effects of Good Governance on Income Inequality with an Emphasis on Political Instability. *Iranian Economic Development Analyses*, 10(1), 227-250. [in persian].

GhafariFard, M., & Danesh, H. (2022). The Impact of Good Governance on Economic Growth in Selected Islamic Countries (*Panel Data Approach*), 12(4), 1-21. [in persian].

Gupta, R. C.; Gupta, P. L., & Gupta, R. D. (1998). Modeling failure time data by Lehman alternatives. *Communications in Statistics-Theory and methods*, 27(4), 887-904.

Gupta, S.; Davoodi, H., & Alonso-Terme, R. (2000). Does corruption affect income inequality and poverty?. *Economics of governance*, 3, 23-45.

Hayat, Kh.; Liu, W., & Itbar, Kh. (2022). The effect of political stability, carbon dioxide emission and economic growth on income inequality: evidence from developing, high income and Belt Road initiative countries. *Environmental Science and Pollution Research, part of Springer Nature* 2022.

Hendricks, C. A., & Kelbaugh, R. L. (1998). Implementing six sigma at GE. *The Journal for Quality and Participation*, 21(4), 48.

Huang, C. J., & Ho, Y. H. (2018). The impact of governance on income inequality in ten Asian countries. *Journal of Reviews on Global Economics*, 7, 217-224.

Jain, P. (2006). Calculated absorption and scattering properties of gold nanoparticles of different size, shape, and composition: applications in biological imaging and biomedicine. *The journal of physical chemistry B*, 110(14), 7238-7248.

JalaliNaini, S. & Ghafari M. (2015). The Role of Institutions in Inequality. *JPBUD*. 20(3), 145-163. [in persian].

Johnston, R. L. (1998). The development of metallic behaviour in clusters. *Philosophical Transactions of the Royal Society of London. Series A: Mathematical, Physical and Engineering Sciences*, 356(1735), 211-230.

Jong, S., & Khagram, S. (2005). A comparative study of Inequality and Corruption. *Amerian sociological Review*, 10(1), 136-157.

Khodabakhshi, A., & Khazaei, G. (2022). Investigating The Impact of Oil Revenues on Income Distribution in OPEC and Non-OPEC Member Countries, Using the GMM Method. *Economic Policies and Research*, 1(3), 31-53. [in persian].

Khosroabad, M.; Zayanderoody, M., & Shakibae, A. (2016). The Effect of Good Governance Indicators on Income Inequality Selected Countries Southwest Asia and the Countries of the Organization for Economic Cooperation and Development. *refahj*. 16(61), 159-185. [in persian].

Landel, H. B.; Kilduff, T. S.; Nagy, G. S.; Sutin, E. L.; Dement, W. C., & Heller, H. C. (1992). Melatonin influences Fos expression in the rat suprachiasmatic. *Molecular brain research*, 16(1-2), 47-56.

Li, H.; Squire, L., & Zou, H. F. (1998). Explaining international and intertemporal variations in income inequality. *The economic journal*, 108(446), 26-43.

Lyon, p. (2000). Partnership Good for Governance in the 21Century, *Administration Public of Journal*, 59(3), 87-93.

Luo, W.; Pickering, A., & Monteiro, P. (2017). Inequality and the Size of Government. *Discussion Papers in Economics*, (17/02).

Montazeri Shoorekchali, J., & Zahed Gharavi, M. (2020). Investigating the Relationship between Government Size and Income Inequality in Iran: The MS-VAR Approach. *Journal of Economics and Modelling*, 11(2), 29-64. [in persian].

Mohseni Zonouzi, S. J.; Shahbazi, K., & Parnak, R. (2015). The Effects of Oil Revenues on Good Governance Indicator in Selected OPEC Member Countries. *Iranian Economic Development Analyses*, 2(4), 117-156. [in persian].

Moradi, M., & Salmanpour, A. (2018). The effect of good governance on income distribution in a selected group of Organization of Islamic Countries (OIC). *Sociology of Social Institutions*, 4(10), 33-59. [in persian].

Moradi, F.; Jafari, M., & Fatahi, S. (2023). The Effect of Economic Sanctions on Income Inequality in Iran; with Emphasis on Oil Revenues. *Public Sector Economics Studies*, 2(2), 151-170. [in persian].

Moftakhari, A.; Jafari, M.; Abounoori, E., & Nademi, Y. (2021). The effect of effective variables on governance on brain drain in developing countries. *Stable Economy Journal*, 2(3), 60-85. [in persian].

Nur, U. M., & Rahman, M. (2021). Good Governance In Bangladesh: A Study Of World Governance Indicators. *Indonesian Journal of Social Research (IJSR)*, 3(3), 201-216.

Philipp, H. (2020). *Does economic globalisation affect income inequality? A meta-analysis.*

Parcerro, O. J., & Papyrakis, E. (2016). Income inequality and the oil resource curse. *Resource and Energy Economics*, 45, 159-177.

Sabouri, A.; Rabiei, M.; Zandi, F., & Shakouri, B. (2023). The effect of optimal monetary policy on liquidity and inequality of income distribution. *mieaoi*, 12(42), 15-33, [in Persian].

Sahebbonar, H., & Nadri, K. (2013). The Economic Analysis of the Oil Revenues Increase Impact on Income Distribution with a BVAR Approach: Case Study of Iran. *Iranian Energy Economics*, 3(9), 115-149. [in persian].

Salatin. P. (2018). The Effect of Corruption on Income Distribution: A Panel Data Approach, *Social Welfare Quarterly*, 17(67), 37-69. [in persian].

Shafique, S.; Haq, R., & Arif, G. M. (2006). Governance and income inequality [with Comments]. *The Pakistan Development Review*, 751-760.

Shamsolahi, R., zahedgharavi, M., & asayesh, H. (2022). The Effect of of Income Distribution Inequality on Government Education Expenditure in Iran's Economy: New Evidence from an ARDL Approach. *Stable Economy Journal*, 2(4), 136-157. [in persian].

Shahabadi, A., & sarigol, S. (2014). The Effect of Governance on Income Distribution (With Emphasis on the Ideas of Imam Ali). *Quarterly Journal of Nahj al-Balagha Research*, 2(6), 1-15. [in persian].

Shabadi, A., & Sarigol, S. (2015). The Effect of Governance on Income Distribution: With Emphasis on the Ideas of Imam Ali, *Nahj al-Balagheh research paper*, 2(6), 1-15. [in persian].

Shiri, A., & khezri, M. (2021). Inequality of income and curse of oil resources in Iran. *Journal of Iranian Economic Issues*, 8(1), 191-224. [in persian].

Seyed Norani, S.; Tari, M. F., & Mohammadpour, H. (2019). The impact of foreign direct investment and good governance on employment in developing countries, *Economics and Urban Management*, (31)8, 21-33. [in persian].

Tabaghchi Akbari, L.; Babazadeh, M.; Sameei, G., & Akhundzadeh Yousefi, T. (2020). The Effects of Good Governance and Financial Reforms on Total Factor Productivity in Iran's Industry and Mining Sector. *Journal of Public Administration*, 12(2), 263-290. [in persian].

Zayanderoody, M.; Khosroabadi, M., & Shakibaei, A. (2015). The Effects of Good Governance Indicators on Income Distribution Using Panel Data (Case Study: Selected South-Western Asian Countries). *QJER* 2017; 17(3) :25-52. [in persian].